

فضول باشی و انتخابات هیئت فوتبال استان

بعد از افطار نشسته بودم و برای نوشتن، داشتم سوژه یابی می کردم که صدای ناهنجار تلفن همراه، تمرکز را به هم زد. فضول باشی بود. این مرد، شب و روز نمی شناسد، تا چیزی به فکرش می رسد هر ساعتی از شبانه روز باشد تماس می گیرد. البته طلب کار بودن یکی از ویژگی آدم های مزاحم است و فضول باشی ما هم از این قاعده مستثنی نیست.

تا صدایم را شنید گفت: عزیز دل فضول، سر افطار، منزل گفت که دیشب در خواب از فوتبال می گفتم، از رقابت های به اصطلاح لیگ برتر که آغاز نشده تعطیل شده است، از اساسنامه و رعایت دقیق و بند بند آن در استان، از شکوه و عظمت فوتسال جام رمضان و شرایط سهل و آسان آن برای حضور همه تیم ها و به خصوص تیم های یک شبه تشکیل یافته و مهم تر از همه از مجمع انتخابات هیئت استان و کاندیداها و عاشقان و سینه چاکان خدمت به نسل جوان و آینده ساز.

گفتم: مرد مؤمن، این وقت شب زنگزده ای که خواب دیشب را به من تعریف کنی؟ مگر من تعبیر خواب می کنم؟ اصلا مسائل مجمع فوتبال و انتخاب رئیس آن به شما چه ربطی دارد؟ به من چه؟ به تو چه؟ به ما چه؟ برو به ده ها درد بی درمان خودت برس، فوتبال استان صاحب دارد و بهتر از همه بلدند که چه کار بکنند و برای ادامه مالکیت چه طرحی بریزند و چه اقدام نمایند. مگر مدعی العموم هستی؟ الحمدلله همه چیز بر وفق مراد است و جای هیچ گونه نگرانی نیست و بی جهت حاشیه ایجاد نکن و فکر ما را مغشوش و ذهنمان را مکدر نفرما، لطفاً.

گفت: تو را چه شده؟ خبرهایی شنیده ای که چنین با صدایی رسا و راجی می کنی؟ تا دیروز گلویت را پاره می کردی که بندهای اساسنامه را در بند کشیده اند و حالا ساز را برای مایه ای دیگر کوک می کنی؟ خجالت نمی کشی؟ عجب آدم ضعیف النفسی هستی. خدا در این ماه عزیز جوابت را بدهد.

گفتم: فضول باشی، من تا گلو پاره می کردم یا تویی که آرام و قرار نداشتی. مگر تو نمی گفستی که حضور نائبرئیس بانوان غیرقانونی بوده، اگر ادعای تو درست است چرا باز برای مجمع معرفی شده است؟ باور کن

خرده‌شیشه داری، انصاف نیست که این حرفها را بزنی و قیافه حق‌به‌جانب بگیری.

گفتم: تو هم راست می‌گویی. حتماً حکمتی در کار است که در فوتبال ما 28 را با 35 برابر می‌گیرند و یا به شخصی، سابقه مدیریت را چون یک گول می‌سازند و برای دیگری بدون داشتن ده دقیقه سابقه مدیریت نمی‌گویند بالای چشمت ابروست. پس اگر این‌طور که تو می‌گویی کار سلیقه‌ای باشد پس چه نیازی به برخی از مقدمات و تشریفات؟

گفتم: خوب گوش‌کن، حال و حوصله زیاد حرف زدن و سر و کله زدن با تو را ندارم. اما شنیده‌ام که این روزها خیلی‌ها در فدراسیون فوتبال، هوادار فوتبال اردبیل شده و برای تعیین تکلیف آن حساسیت نشان می‌دهند. انشالله که خسته نشوند و با همین سرعتی که دارند پیش بروند و همه تلاش، توانایی، قدرت، رابطه و ضابطه را به کار بیندند تا روز برگزاری مجمع فدراسیون کارها را یکسره بکنند. باید خوشحال باشیم که برخی‌ها بدجوری عاشق و واله فوتبال اردبیل شده‌اند. خودشان هم می‌دانند فوتبالی نیست ولی آن‌ها چون خود از منطقه محروم هستند بدجوری به فکر مناطق محروم و آزاد کردن آن‌ها از دام بدبختی‌ها و نداری‌ها هستند. حتماً این‌ها را معرفی می‌کنیم تا افکار عمومی با چهره دوستداران و خدمت‌گزاران فوتبال اردبیل در مراکز سایر استان‌ها آشنا بشوند.

گفت: تو هم که همه اش شعار می‌دهی. اگر راست می‌گویی اسم ببر و آن‌ها را به مردم معرفی کن.

گفتم: عجله نکن. آسیاب به نوبت. وقت این کار نیز خواهد رسید. اندکی تأمل و تحمل لازم است. یا حق.